

پنجره جمعیتی، مدیریت سرمایه انسانی و رشد اقتصادی پایدار در گام دوم انقلاب اسلامی ایران

جواد حسین‌زاده

مرکز آمار ایران

چکیده. رهبر معظم انقلاب اسلامی با صدور «بیانیه گام دوم انقلاب» به تبیین دستاوردهای شگرف چهار دهه گذشته پرداختند، که این بیانیه سند و راهکاری است به منظور اجرا در دهه پنجم انقلاب و هسته مرکزی آن سپردن کار به جوان‌ها با هدف یک پیشرفت همه‌جانبه است. آنچه که در این بیانیه حائز اهمیت است، مخاطب قرار گرفتن جوانان است که رهبری در این خصوص می‌فرمایند: جمعیت جوان زیر ۴۰ سال که بخش مهمی از آن نتیجه موج جمعیتی ایجادشده در دهه ۶۰ است، فرصت ارزشمندی برای کشور است و مهم‌ترین ظرفیت امیدبخش کشور، نیروی انسانی مستعد و کارآمد با زیربنای عمیق و اصیل ایمانی و دینی است. جوانی جمعیت کنونی کشور به عنوان یک فرصت و امتیاز است، لذا با در نظر داشتن نقش ایجابی عامل جمعیت و مؤلفه پنجره جمعیتی باید برنامه‌ریزی مناسب صورت گیرد تا با مدیریت سرمایه انسانی بتوان گام مؤثری در جهت رشد اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کشور برداشت. با وجود چشم‌انداز مثبت در تأثیر تحولات ساختار جمعیتی بر رشد اقتصادی، سود جمعیتی به خودی خود رخ نمی‌دهد و اساساً شرایط بالقوه‌ای است که صرفاً با سیاست‌گذاری مؤثر می‌تواند به فعل درآید. در واقع این وضعیت از ساختار سنی جمعیت از طریق ساز و کارهایی همچون بهبود عرضه نیروی کار، پس‌انداز و سرمایه انسانی منجر به بروز فرصت‌های رشد تولید و درآمد سرانه می‌شود. از طرفی طی سه دهه گذشته داده‌ها نشانگر کاهش باروری از سال ۱۳۶۵ به بعد است که با بررسی علل کاهش و سیاست‌گذاری مناسب برای افزایش میزان باروری، می‌توان مدت زمان بهره‌مندی از پنجره جمعیتی را افزایش داد. در این مقاله با استفاده از نتایج سرشماری‌های نفوس و مسکن و وضعیت کنونی ساختار و تحولات

جمعیت، مفاهیم پنجره جمعیتی و سود جمعیتی تبیین و در ایران مورد واکاوی قرار گرفته و تأثیر این متغیرها و مدیریت سرمایه انسانی بر افزایش رشد اقتصادی پایدار و افزایش نرخ باروری بررسی شده است.

واژه‌های کلیدی: پنجره جمعیتی، سود جمعیتی، سرمایه انسانی، رشد اقتصادی پایدار، حساب‌های ملی، انتقالات، نرخ باروری.

۱- مقدمه

رهبر انقلاب اسلامی در ۲۲ بهمن سال ۱۳۹۷ به مناسبت چهلمین سالروز پیروزی انقلاب اسلامی و ورود جمهوری اسلامی به فصل جدیدی از حیات خود با صدور «بیانیه گام دوم انقلاب» به تبیین دستاوردهای پرداخته و توصیه‌های اساسی به منظور «جهاد بزرگ برای ساختن ایران اسلامی بزرگ» ارائه فرموده‌اند. بیانیه گام دوم انقلاب تجدید مطلعی است خطاب به ملت ایران و به ویژه جوانان که منشوری برای خودسازی، جامعه‌پردازی و تمدن سازی می‌باشد و با تأکید بر امید واقع‌بینانه به آینده و نقش بی‌بدیل جوانان الزامات این جهاد بزرگ را در هفت سرفصل اساسی بیان کردند و فرمودند: ۳۶ میلیون نفر در سنین میانه‌ی ۱۵ و ۴۰ سالگی، نزدیک به ۱۴ میلیون نفر دارای تحصیلات عالی، رتبه دوم جهان در دانش‌آموختگان علوم و مهندسی، انبوه جوانانی که با روحیه انقلابی رشد کرده و آماده تلاش جهادی برای کشورند و جمع چشمگیر جوانان محقق و اندیشمندی که به آفرینش‌های علمی و فرهنگی و صنعتی و غیره اشتغال دارند؛ این‌ها ثروت عظیمی برای کشور هستند که هیچ اندوخته مادی با آن مقایسه نمی‌شود.

در سیاست‌های کلی جمعیت ابلاغی از سوی مقام معظم رهبری اهمیت مقوله جمعیت در اقتدار ملی و توجه به پویندگی، بالندگی و جوانی جمعیت کنونی کشور به عنوان یک فرصت و امتیاز است در صورتی که از این «پنجره جمعیتی» نسبت بالای جمعیت جوان و دارای توانایی فعالیت اقتصادی بهره گرفته شود و متناسب با آن شرایط اشتغال و بهره‌وری ایجاد شود نه تنها در حال حاضر برخی از مشکلات جمعیتی مرتفع خواهند شد، بلکه تولید و بهره‌وری می‌تواند به رشد اقتصادی کمک کند. در حال حاضر بیش از دو سوم جمعیت جوان کشور در سن فعالیت و کار به سر می‌برند که می‌توان با استفاده از

برنامه‌های آموزش مهارت نیروی کار را بالا برد و استفاده حداکثری از سرمایه انسانی تأثیر قابل توجهی بر بهره‌گیری از این فرصت طلایی در کشور داشت. مقام معظم رهبری در گام دوم انقلاب با اشاره به مدیریت سرمایه انسانی کشور می‌فرماید: مدیران جوان، کارگزاران جوان، اندیشمندان جوان، فعالان جوان در همه میدان‌های سیاسی و اقتصادی و فرهنگی و بین‌المللی و نیز در عرصه‌های دین و اخلاق و معنویت و عدالت باید شانه‌های خود را به زیر بار مسئولیت دهند و از تجربه‌ها و عبرت‌های گذشته بهره‌گیرند. نیروی انسانی مستعد و کارآمد با زیربنای عمیق و اصیل ایمانی و دینی مهم‌ترین ظرفیت امیدبخش کشور است. همت‌های بلند و انگیزه‌های جوان و انقلابی خواهند توانست آن‌ها را فعال و در پیشرفت مادی و معنوی کشور به معنی واقعی جهش ایجاد کنند.

کشور ما با توجه به پنجره جمعیتی و وفور نسبی نیروی کار، بیش از هر چیزی برای رشد و توسعه نیاز به افزایش بهره‌وری نیروی کار دارد تا از محل سود جمعیتی بیشترین استفاده را کند و تولید ناخالص داخلی را به‌طور فزاینده‌ای رشد دهد. از طرفی بی‌توجهی به سرمایه انسانی می‌تواند آینده اقتصاد و رفاه گروه‌های مختلف جمعیتی را تحت تأثیر قرار دهد. هر رفتار اجتماعی، اقتصادی و سیاسی تحت تأثیر ساختار سنی خواهد بود و باید آن را جدی گرفت و مسئله قابل‌توجه این است که پنجره جمعیتی روزی بسته خواهد شد و اگر برای رشد و توسعه کشور بهره لازم از آن گرفته نشود ناگزیر به هزینه‌های ایجاد توسعه سیستم‌های تأمین اجتماعی و رفاهی برای جمعیتی که از سن کار آموزش و مهارت دور و به پیری جمعیت می‌رسند هستیم. از طرفی افزایش میزان باروری می‌تواند مدت زمان بهره‌مندی از پنجره جمعیتی را افزایش دهد اما در طی سه دهه گذشته این میزان کاهش پیدا کرده و بررسی علل و زمینه‌های ایجادکننده می‌تواند در برنامه‌ریزی‌های آتی و سیاستگذاری‌های مناسب در جهت جلوگیری از کاهش بیشتر میزان باروری به کار آیند.

۲- وضعیت کنونی ساختار و تحولات جمعیتی کشور

جمعیت و ابعاد آن نقطه مرکزی هر نظام اجتماعی محسوب می‌شود. تحولات جمعیتی تقریباً تمام جنبه‌های زندگی انسان و جهان پیرامون وی را تحت تأثیر قرار می‌دهد و اثرات متعددی بر خرده نظام‌های اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و محیطی وارد می‌کند و منشأ

تحولات چشمگیری در این حوزه‌ها می‌شود [۸]. برای برنامه‌ریزی جهت توسعه همه‌جانبه یک جامعه، شناخت جمعیت و میزان رشد آن امری حیاتی است [۲۰]. از جمله راه‌های کسب توسعه همه‌جانبه، شناخت و آگاهی کافی از تغییر و تحولات جمعیتی است؛ زیرا تمامی جنبه‌های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی هر جامعه‌ای، با حجم جمعیت و ویژگی‌های ساختاری آن پیوند خورده است. مطالعه فرایند انتقال ساختار سنی از جوانی به سالخوردگی از چند بعد دارای اهمیت و ضرورت است که برخی از موارد آن به شرح زیر است:

- در هر یک از مراحل انتقال ساختار سنی، با توجه به این که کدام یک از گروه‌های سنی در اکثریت باشند، نوع و کم و کیف نیازهای اجتماعی و جمعیتی تغییر می‌کند. لذا مطالعه ساختار سنی به معنی تشخیص نیازهای حال و آینده جامعه است.
- ساز و کار اثرگذاری ساختار سنی بر توسعه اقتصادی، اجتماعی و سیاسی مسئله مهمی است. این مسئله برای جمعیت‌شناسان و اقتصاددانان روشن است که ساختار سنی جمعیت، حجم و درصد عرضه نیروی کار را رقم خواهد زد. تحولات عرضه نیروی کار یکی از عوامل مؤثر بر رشد اقتصادی جوامع است.
- انتقال ساختار سنی چرخه زندگی اقتصادی و اجتماعی کل جمعیت را رقم می‌زند، و این واقعیت که چگونه چرخه زندگی جمعیت قابلیت تولیدکنندگی جامعه را رقم می‌زند، از لحاظ مطالعات جمعیتی دارای اهمیت است [۱۹].

طبق «نظریه اول گذار جمعیتی» که تحولات حجم، رشد و ساختار سنی جمعیت جوامع را تبیین می‌کند، در ایران این گذار به مرحله سوم یعنی کاهش توأم نرخ باروری و نرخ مرگ‌ومیر رسیده و ساختار سنی جمعیت در مرحله میانسالی قرار گرفته است. در چنین شرایطی با رسیدن سهم جمعیت مولد یا بالقوه فعال از نظر اقتصادی (سهم جمعیت ۱۵ تا ۶۴ ساله) به میزان‌های حداکثری خود یعنی حدود ۷۰ درصد کل جمعیت کشور، «پنجره فرصت جمعیتی» در ایران فراهم شده و به فعل درآمدن این فرصت، مستلزم توجه ویژه به نقش تغییرات ساختار سنی در «چرخه عمر اقتصادی» و سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی شایسته برای بهره‌گیری هر چه بیشتر از آن است. برای تبیین بهتر پنجره جمعیتی از

تقسیم‌بندی بو^۱ و سومستند^۲ از انتقال سنی که به چهار مرحله زیر تقسیم می‌شود استفاده می‌کنیم.

ا. مرحله کودکی: افزایش درصد جمعیت زیر ۱۵ سال نسبت به سایر گروه‌های سنی؛

ب. مرحله جوانی: افزایش درصد جمعیت ۱۵-۲۹ سال نسبت به سایر گروه‌های سنی؛

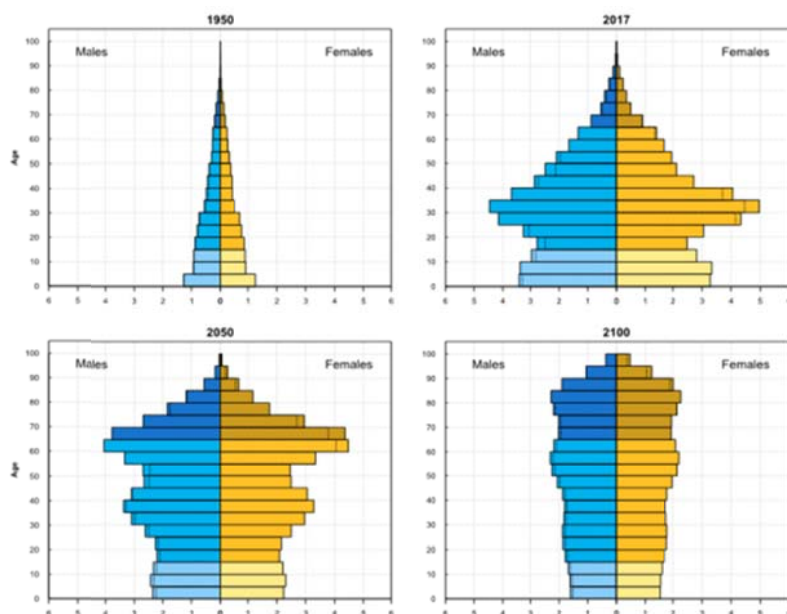
ج. مرحله میانسالی: افزایش درصد جمعیت ۳۰-۶۴ سال نسبت به سایر گروه‌های سنی؛

د. مرحله سالمندی: افزایش درصد جمعیت بالای ۶۵ سال نسبت به سایر گروه‌های سنی؛

جمعیت‌شناسان از مرحله دوم وسوم انتقال جمعیتی به عنوان پنجره جمعیتی نام می‌برند. طبق بررسی‌های صورت گرفته، فاز پنجره جمعیتی در ایران حدوداً از دهه ۱۳۸۰ آغاز شده و تا حدود دهه ۱۴۳۰ ادامه خواهد یافت.

تغییرات ساختار سنی جمعیت در ایران به‌گونه‌ای رقم خورده که طبق نتایج سرشماری‌های اخیر، بیشترین سهم جمعیت به گروه سنی میانسالان (افراد ۳۰ تا ۶۴ ساله) اختصاص یافته است. روند تغییرات هرم سنی و جنسی جمعیت ایران بر اساس گزارش «چشم‌انداز جهان»^۳ [۳۸] در شکل ۱ نشان می‌دهد این ساختار در مقاطع مختلف گذشته، حال و آینده به‌گونه‌ای تغییر کرده که از ساختار کاملاً جوان قبلی، در حال حاضر به یک ساختار میانسال رسیده و از این پس به سمت ساختار سالخورده تغییر خواهد نمود.

تقسیم‌بندی شرایاک و سیگل [۳۲] در خصوص ساختار سنی جمعیت جدول ۱ نیز مؤید این است که ترکیب سنی جمعیت کشور به مرحله «میانسالی» رسیده، به‌گونه‌ای که طبق نتایج سرشماری عمومی نفوس و مسکن ۱۳۹۵ [۱۴]، میانه سنی جمعیت به ۳۰ سال، سهم افراد کمتر از ۱۵ سال به ۲۴/۰ درصد، سهم افراد بالای ۶۵ سال به ۶/۱ درصد و نسبت افراد بالای ۶۵ سال به افراد کمتر از ۱۵ سال به رقم ۲۵/۴ رسیده و در مجموع، تقسیم‌بندی مذکور نشان‌دهنده مرحله میانسالی تغییرات ساختار سنی است.

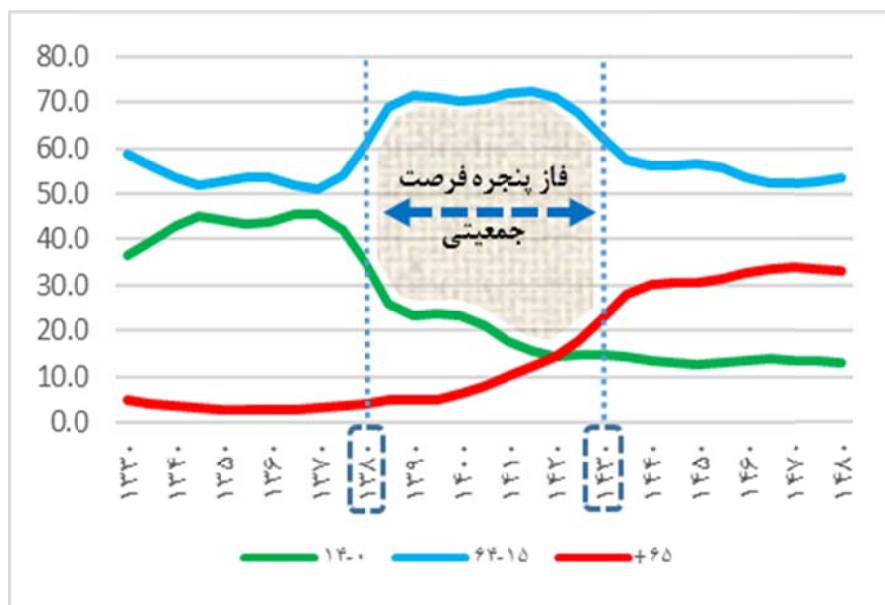


شکل ۱- روند تغییرات هرم سنی و جنسی جمعیت کشور در مقاطع زمانی ۱۹۵۰، ۲۰۱۷، ۲۰۵۰ و ۲۱۰۰ میلادی

جدول ۱- تقسیم‌بندی شرایاک و سیگل در خصوص ساختار سنی جمعیت

ساختار سنی جمعیت	میان سنی	درصد افراد کمتر از ۱۵ سال در جمعیت	درصد افراد بالای ۶۵ سال در جمعیت	نسبت افراد بالای ۶۵ سال به افراد کمتر از ۱۵ سال
جوان	زیر ۲۰	۴۰ و بالاتر	زیر ۵ درصد	زیر ۱۵
میانسال	۲۰ تا ۳۰	۳۰ تا ۴۰	۵ تا ۱۰ درصد	۱۵ تا ۳۰
سالمند	۳۰ و بالاتر	زیر ۳۰	۱۰ و بالاتر	۳۰ و بالاتر

در همین شرایط، با رسیدن سهم جمعیت مولد یا بالقوه فعال از نظر اقتصادی (سهم افراد ۱۵ تا ۶۴ ساله) به میزان‌های حداکثری خود در سال‌های اخیر (۶۹/۹ درصد کل جمعیت کشور طبق سرشماری ۱۳۹۵)، پدیده‌ای که آن را «پنجره فرصت جمعیتی»^۴ نامیده‌اند در ایران فراهم شده است که طبق شکل ۲، فاز پنجره جمعیتی در ایران حدوداً از سال ۱۳۸۰ آغاز شده و تا حدود سال ۱۴۳۰ ادامه خواهد یافت.



شکل ۲- روند تغییرات سهم گروه‌های عمده سنی جمعیت کشور و فاز پنجره فرصت جمعیتی در ایران (با فرض حد متوسط باروری برای پیش‌بینی جمعیت)
منبع: [۳۸] «پیش‌بینی جمعیت با سناریوی حد متوسط باروری»

۳- پنجره جمعیتی و سود جمعیتی

در حال حاضر جمعیت ایران جمعیتی جوان و میانسال است و بیش از دو سوم این جمعیت در سن فعالیت و کار به سر می‌برند. جمعیت‌شناسان پنجره جمعیتی را هدیه جمعیتی می‌نامند، زیرا گذار ساختار سنی و پنجره جمعیتی بستری برای رشد و توسعه اقتصادی کشور محسوب می‌شود، در طول دوره‌ای که پنجره فرصت گشوده می‌شود، هزینه‌های عمومی که در برنامه‌های اجتماعی نظیر آموزش و بهداشت صورت گرفته بود به سمت سرمایه‌گذاری در بخش‌های تولیدی و زیرساخت‌ها هدایت می‌شود، در سطح خرد نیز خانواده‌ها می‌توانند هزینه‌های جاری را به سمت پس‌انداز و ارتقای استانداردهای زندگی جهت دهند. نظریه پنجره جمعیتی به شکل‌های متفاوتی منجر به بروز فرصت‌ها برای رشد تولید سرانه می‌شود. افزایش درصد جمعیت در سن کار نسبت به کل جمعیت، موجب

افزایش تولید ناخالص داخلی می‌شود، به عبارت دیگر افزایش تعداد تولیدکنندگان (جمعیت در سن کار) نسبت به تعداد مصرف‌کنندگان (جمعیت کودکان و نوجوانان و سالمندان) به‌طور طبیعی افزایش تولید سرانه را به دنبال دارد [۲۵].

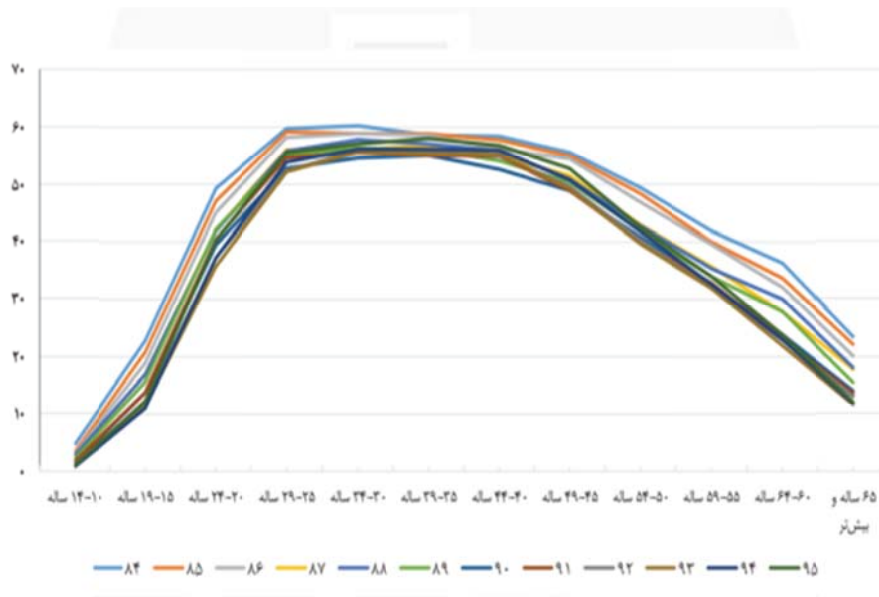
پنجره جمعیت و فرصت‌های فرهنگی و اجتماعی آن این است که می‌توان برای ایجاد زیرساخت‌هایی در جهت ارتقاء فرهنگ و علم و تربیت و تولید نیروی انسانی صالح و سالم، برنامه‌ریزی و سرمایه‌گذاری کرد. در واقع، این وضعیت از ساختار سنی جمعیت، از طریق ساز و کارهایی منجر به بروز فرصت‌های رشد تولید سرانه می‌شود که اهم این ساز و کارها که در زیر شرح داده شده عبارت‌اند از: افزایش عرضه نیروی کار، پس‌انداز و سرمایه انسانی [۲۵].

۳-۱- افزایش عرضه نیروی کار

مراحل انتقال جمعیتی بر عرضه نیروی کار تأثیر می‌گذارد و این اثر از سالخوردگی منظم و گریزناپذیر نسل انفجار موالید نشأت می‌گیرد. زمانی که این جمعیت به سنین بین ۱۵ تا ۶۴ سالگی (گروه سنی جمعیت فعال) می‌رسند، میل به کار کردن دارند (عرضه نیروی کار) و منطق حکم می‌کند که از وضعیت وابسته به وضعیت مستقل روی بیاورند که بر اساس طرح آمارگیری نیروی کار مرکز آمار ایران، افزایش نرخ مشارکت اقتصادی در این سنین در شکل ۳ نیز مانند سایر کشورها برای ایران مشهود است [۱۵]. با ورود موج فرزندان متولدشده در سال‌های باروری بالا به زندگی بزرگسالی، بازار کار با جذب حجم بزرگتری از نیروی کار روبرو خواهد بود و سرانه تولید ناخالص داخلی افزایش خواهد یافت.

۳-۲- افزایش پس‌اندازها

انتقال جمعیتی، زمینه افزایش پس‌اندازها را از طریق بهبود قابلیت کشور برای سرمایه‌گذاری و رشد فراهم می‌کند. در اینجا، باز هم اثر حسابداری مربوط به اندازه جمعیت به‌خوبی اثر رفتار در کار تأثیرگذار است. جوان‌ترها و سالخورده‌ترها بیشتر از این که تولید کنند، مصرف می‌کنند؛ در حالی که جمعیت در سن کار، سطح بالاتری از دستاوردهای اقتصادی و نیز سطح بالاتری از پس‌انداز را به خود اختصاص می‌دهند.



شکل ۳- نرخ مشارکت اقتصادی به تفکیک گروه‌های سنی در مهر و موم‌های ۱۳۸۴ تا ۱۳۹۵

۳-۳- افزایش سرمایه انسانی

نهایتاً، مراحل انتقال جمعیتی اثرات معنی‌داری بر سرمایه انسانی دارد؛ اثراتی که کمتر ملموس هستند، اما بسیار معنی‌دار و در عین حال دیر دست‌یافتنی می‌باشند. انتقال جمعیتی با کاهش مرگ و میر و افزایش شاخص «امید زندگی در بدو تولد» همراه است که باعث می‌شود جمعیت، بیشتر و سالم‌تر عمر کند و این امر موجب تغییرات بنیادین در شیوه زندگی مردم می‌شود. تمایلات مربوط به تحصیل، خانواده، بازنشستگی و نقش زنان در بازار کار تغییر می‌یابد. به‌ویژه اگر یک جامعه از این تحولات جمعیتی سود ببرد، قطعاً تغییرات ریشه‌ای عمیقی را در ابعاد فرهنگی تجربه خواهد نمود، به‌گونه‌ای که در چنین جامعه‌ای، مردم دارایی‌های ارزشمندتری خواهند داشت. وقتی امید زندگی افزایش می‌یابد، والدین تمایل بیشتری دارند که فرزندانشان در سطوح پیشرفته‌تر تحصیل نمایند. فرزندان سالم‌تر در عوض، توسعه شناختی بزرگتری را در طول دوران سال‌های تحصیل‌شان نسبت به زمانی که در مقابل از سلامت کمتری برخوردار باشند تجربه می‌کنند. نتیجه این

سرمایه‌گذاری تحصیلی این خواهد بود که نیروی کار به‌طور کلی از بهره‌وری بیشتری برخوردار خواهد بود، سطح دستمزدها ارتقاء خواهد یافت و استاندارد زندگی بهتری حاصل خواهد شد.

به فعل درآمدن این فرصت بالقوه در بُعد اقتصادی، مستلزم توجه ویژه به نقش تغییرات ساختار سنی در «چرخه عمر اقتصادی»^۵ و سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی شایسته برای بهره‌گیری هر چه بیشتر از آن است. یک نقش بسیار مهم و کلان تغییرات ساختار سنی در چرخه عمر اقتصادی، تأثیر آن در رشد اقتصادی است. میزان تأثیرپذیری رشد اقتصادی از تغییرات ساختار سنی جمعیت (با فرض ثابت بودن تأثیر سایر عوامل) را «سود جمعیتی»^۶ نامیده‌اند که از پروفایل انتقالات اقتصادی نسلی یا به عبارت دیگر از اندازه‌گیری جریان‌های دریافتی و پرداختی^۷ انتقالات بین نسل‌ها به دست می‌آید. این پروفایل تاکنون با اجرای پروژه «حساب‌های ملی انتقالات»^۸ در بیش از ۶۰ کشور دنیا از جمله ایران به‌دست‌آمده است و به‌طور خلاصه نشان می‌دهد که به‌طور متوسط هر فرد در یک سن معین چه میزان تولید، مصرف، به اشتراک‌گذاری منابع و پس‌انداز برای آینده انجام می‌دهد و نهایتاً در مجموع کل جمعیت، در چه دوره زمانی، سوددهی جمعیتی، مثبت و در چه دوره زمانی این سوددهی منفی است. سود جمعیتی طی دو مرحله اتفاق می‌افتد که «سود جمعیتی اول» به دوران به حداکثر رسیدن نیروی کار و رشد مثبت «نسبت حمایت»^۹ مرتبط است^{۱۰} و «سود جمعیتی دوم» به افزایش «بهره‌وری نیروی کار»^{۱۱} و افزایش انگیزه پس‌انداز در میان این بخش از جمعیت، مربوط می‌باشد [۳۰].

در جریان گذار ساختار سنی جمعیت، این سودها به ترتیب و پشت سر هم اتفاق می‌افتند؛ یعنی ابتدا سود اول اتفاق می‌افتد و به یک نقطه پایانی می‌رسد و قدری دیرتر سود دوم آغاز می‌شود و به‌صورت نامحدود ادامه پیدا می‌کند.

به‌طور خلاصه، سود اول یک پاداش گذرا را در بردارد و دومی پاداش را به دارایی‌های بزرگ‌تر و توسعه پایدار تبدیل می‌کند.

محاسبات مربوط به سود جمعیتی از پروفایل انتقالات اقتصادی نسلی یا به عبارت دیگر از اندازه‌گیری جریان‌های دریافتی و پرداختی انتقالات بین نسل‌ها به دست می‌آید. طبق راهنمای پروژه «حساب‌های ملی انتقالات» [۳۵]، سه نوع اطلاعات برای محاسبه حساب‌های ملی انتقالات موردنیاز است که عبارت‌اند از: داده‌های جمعیتی و اطلاعات حساب‌های ملی و اطلاعات جریان‌های اقتصادی^{۱۲} برحسب سن.

«سود جمعیتی اول» همان نرخ رشد «نسبت حمایت» است که نشان می‌دهد چه میزان از رشد اقتصادی، سهم مستقیم تغییرات نسبت حمایت است. چنانچه رشد نسبت حمایت منفی باشد، رشد اقتصادی، از اثر مستقیم تغییرات نسبت حمایت بی‌بهره خواهد بود [۳۸].

«سود جمعیتی دوم» نیز از تأثیر تغییرات جمعیت در درآمد شغلی به ازای هر شاغل نشأت می‌گیرد [۳۸]. درواقع، آن بخش از تغییرات ساختار سنی جمعیت که به چگونگی اندوخته دارایی و ارتباط آن به سالمندی جمعیت بستگی دارد، سود جمعیتی دوم را رقم می‌زند [۲۹].

در جدول شماره ۲ به‌طور خلاصه نشان داده شده که هر یک از مناطق مختلف جهان از چه سالی سود جمعیتی اول را آغاز نموده و به‌طور متوسط چند سال پس از آغاز سود اول به نقطه اوج این سود رسیده‌اند و طی چند سال پس از همان نقطه آغازین سود اول، به اوج سود دوم و هر دو سود توأم رسیده‌اند. میانگین هر یک از سودهای اول، دوم و توأم در طول یک دوره ۱۰۰ ساله نیز در ستون‌های بعدی جدول ارائه شده که نشان می‌دهد به ترتیب قاره‌های آفریقا، آسیا، آمریکا، اقیانوسیه و اروپا بیشترین میانگین سود توأم را به خود اختصاص داده‌اند.

جدول ۲- خلاصه برآوردهای سود جمعیتی اول و دوم برحسب مناطق مختلف جهان

منطقه	شروع سود جمعیتی اول	مقدار نقطه اوج (سال مقدار اوج)			میانگین سود، ۱۰۰ ساله		
		سود اول	سود دوم	هر دو سود توأم	سود اول	سود دوم	هر دو سود توأم
آفریقا	۱۹۹۳	۰/۸۲ (۲۵)	۱/۳۳ (۵۱)	۱/۸۰ (۴۸)	۰/۳۲	۰/۶۷	۱/۰۰
آمریکا	۱۹۷۵	۰/۸۴ (۱۹)	۱/۱۵ (۴۳)	۱/۵۱ (۳۳)	۰/۱۵	۰/۶۷	۰/۸۲
آسیا	۱۹۷۳	۱/۳۸ (۲۰)	۱/۸۸ (۴۲)	۲/۳۵ (۳۴)	۰/۱۸	۰/۷۲	۰/۹۰
اروپا	۱۹۶۲	۰/۶۸ (۲۲)	۱/۲۴ (۳۷)	۱/۳۵ (۲۸)	-۰/۰۸	۰/۵۶	۰/۴۸
اقیانوسیه	۱۹۷۴	۰/۶۶ (۱۴)	۱/۲۴ (۳۸)	۱/۵۰ (۲۸)	۰/۰۹	۰/۷۱	۰/۸۰

منبع: [۳۸]، بر اساس مقادیر مربوط به ۱۱۲ کشور

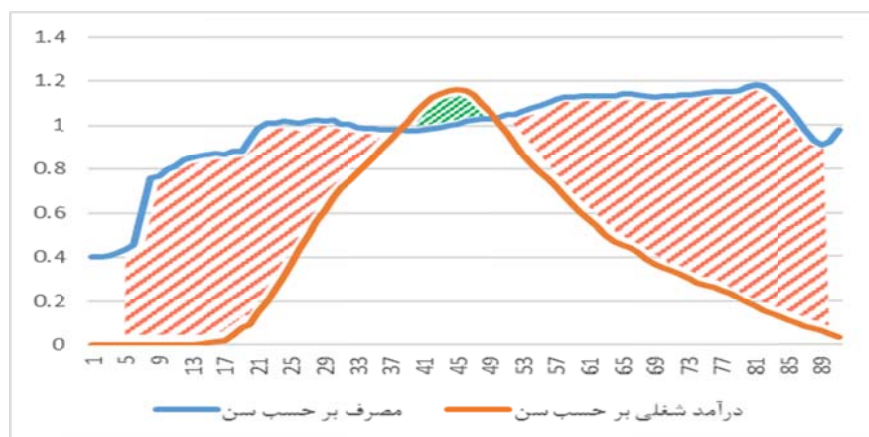
۴- وضعیت سود جمعیتی در ایران

در نتایج منتشرشده پروژه «حساب‌های ملی انتقالات» که توسط گروه جمعیت‌شناسی دانشگاه تهران انجام‌شده پروفایل حساب‌های ملی انتقالات ایران برای سال ۱۳۹۰

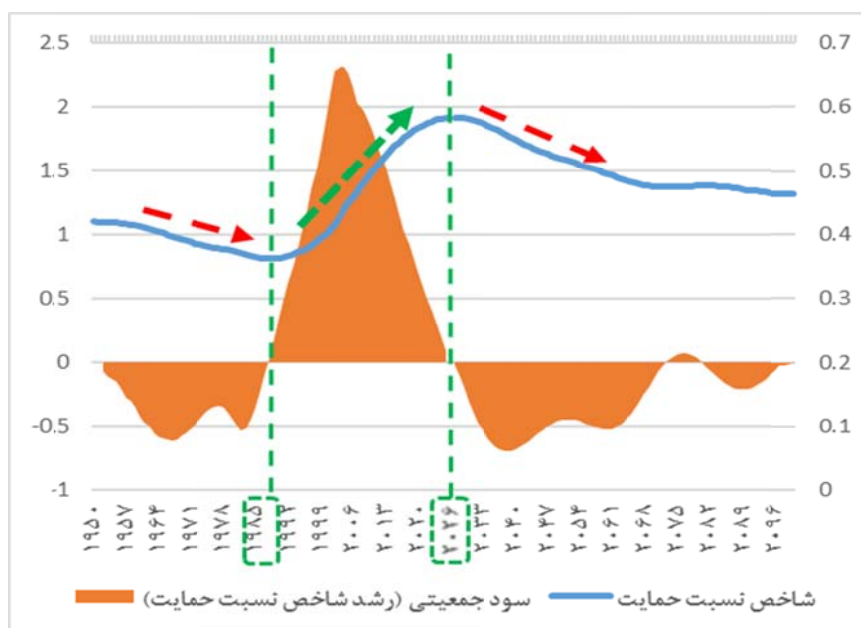
محاسبه شده که در شکل ۴ نشان داده شده است. مبنای این محاسبات نظریه دوران زندگی مطرح شده توسط جیمز دوزنبری^{۱۴} است. محدودیت بودجه در این نظریه به این گونه است که مصرف کننده می تواند درآمد طول زندگی خود را به مصرف در دوره های مختلف زندگی اختصاص دهد به این گونه که در دوران ابتدایی زندگی که مصرف از درآمد بیشتر است با استقراض و وام، درآمدهای آینده خود را هزینه نماید، در دوران میانی زندگی که درآمد از مصرف بیشتر است پس انداز منفی ابتدای زندگی را جبران نموده و مبلغی را هم برای دوران انتهایی زندگی که مصرف از درآمد بیشتر است پس انداز نماید [۲۳]. همان طور که ملاحظه می شود، درآمد شغلی از حدود سن ۱۶ سالگی آغاز می شود و در حدود سن ۴۴ سالگی به حداکثر میزان خود می رسد. منحنی میزان مصرف بر حسب سن نیز نشان می دهد با آغاز دوران تحصیلات ابتدایی، میزان مصرف با یک روند جهشی افزایش می یابد و پس از ۱۸ سالگی نیز با ورود به تحصیلات عالی، افزایش جهشی دیگری به چشم می خورد که البته از جهش قبلی کمتر است. از این سنین به بعد، روند تغییرات مصرف به آرامی تا حدود سن ۸۰ سالگی ادامه پیدا می کند و از آن پس کاهش بسیار محسوسی پیدا می کند. این منحنی به الگوی مصرف سنی بسیاری از گروه های درآمدی کشورهای دنیا شبیه است، اما تفاوت اساسی با الگوی مربوط به کشورهای بالا درآمد بالا دارد که این تفاوت به الگوی مصرف در سنین بالا مربوط است، چرا که در این دسته از کشورها، هم دولت و هم خود سالمندان در این دوره از زندگی خود هزینه های قابل توجهی برای امنیت، سلامت و رفاه انجام می دهند که روند الگوی سنی مصرف را در این سنین به شکل افزایشی درآورده است [۳۸].

تفاضل بین درآمد شغلی و مصرف در سنین مختلف نشان می دهد که در ایران از حدود ۳۸ تا ۴۸ سالگی این تفاضل مثبت می شود و بر همین اساس، قابلیت پس انداز در این سنین به وجود می آید اما در سایر سنین، این تفاضل منفی است و لذا برآیند درآمد و هزینه این افراد دچار کسری بودجه می شود.

چنانچه در شکل ۵ نشان داده شده، شاخص نسبت حمایت در ایران یعنی نسبت تعداد شاغلین مؤثر به مصرف کنندگان مؤثر که تا قبل از سال ۱۳۶۷ (۱۹۸۸ میلادی) روند کاهشی داشت، از رقم ۳۶ نفر شاغل به ازای هر ۱۰۰ نفر مصرف کننده در آن سال، شروع به افزایش نموده که طبق پیش بینی های صورت گرفته، این روند افزایشی تا رقم ۵۸ نفر شاغل به ازای هر ۱۰۰ نفر مصرف کننده تا سال ۱۴۰۵ (۲۰۲۶ میلادی) ادامه



شکل ۴- پروفایل حساب‌های ملی انتقالات ایران، ۱۳۹۰



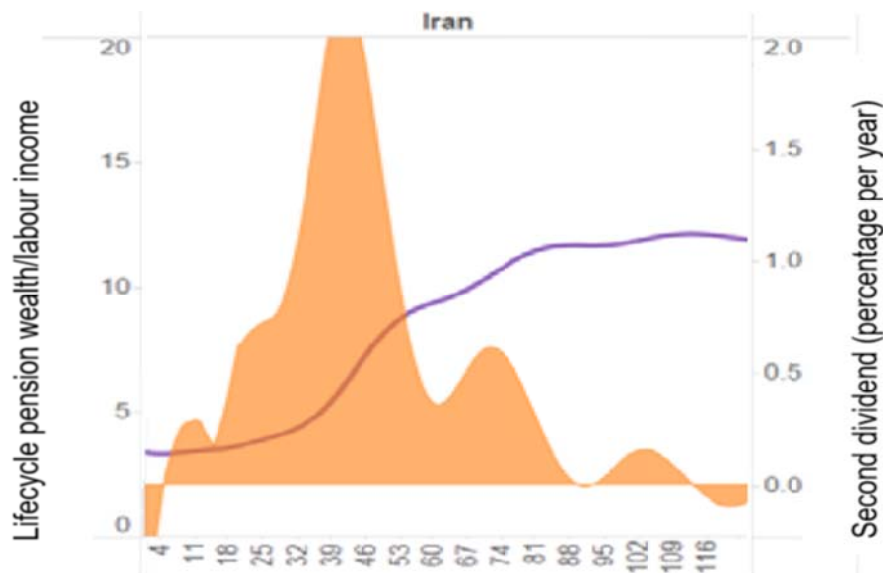
شکل ۵- شاخص نسبت حمایت و سود جمعیتی اول (نرخ رشد شاخص نسبت حمایت) در ایران، حدود سال‌های ۱۳۳۰ تا ۱۴۸۰ (۱۹۵۰ تا ۲۱۰۰ میلادی)

خواهد یافت که این همان دوره بهره‌مندی از سود جمعیتی اول در ایران است. لذا در دهه‌های اخیر، اثر نسبت حمایت مثبت ارزیابی می‌شود و سود جمعیتی اول به‌طور سالانه بین ۵٪ تا ۲/۳ درصد به رشد بالقوه درآمد ملی یا همان رشد اقتصادی اضافه نموده است [۳۰].

در خصوص چشم‌انداز سود جمعیتی دوم در ایران، با وجود این که محاسبات مربوط به پروژه حساب‌های ملی انتقالات برای این مرحله از سود جمعیتی در بسیاری از کشورها از جمله ایران در دست اقدام است، پیش‌بینی سود جمعیتی دوم برای سال‌های پس از آغاز سود جمعیتی اول بر اساس مدل‌های فرضی اقتصادی تهیه و در راهنمای فنی مربوطه [۳۸] منتشر شده که برای ایران نیز بر اساس مدل‌های مذکور به‌صورت شکل ۶ ارائه شده است. همان‌طور که این شکل نشان می‌دهد، سود جمعیتی دوم در ایران از لحاظ مقدار افزایش سالانه در رشد اقتصادی، در نقطه اوج از مرز ۲ درصد نیز فراتر می‌رود و از لحاظ زمانی تا حدود ۸۸ سال به‌طور پیوسته دوام دارد که همان‌طور که پیش‌تر در مقیاس جهانی گفته شد، متوسط این سود برای قاره‌های مختلف دنیا در نقطه اوج به یک درصد افزایش سالانه در رشد اقتصادی می‌رسد و از لحاظ زمان، برای بیش از ۱۵۰ سال ماندگار خواهد بود.

۵- مدیریت سرمایه انسانی

مقام معظم رهبری در بیانیه گام دوم در سرفصل‌ها و توصیه‌های اساسی با علم و پژوهش آغاز می‌کنند و می‌فرمایند: دانش، آشکارترین وسیله‌ی عزت و قدرت یک کشور است، روی دیگر دانایی، توانایی است. بحمدالله استعداد علم و تحقیق در ملت ما از متوسط جهان بالاتر است. اکنون نزدیک به دو دهه است که رستاخیز علمی در کشور آغاز شده و با سرعتی که برای ناظران جهانی غافلگیرکننده بود یعنی یازده برابر شتاب رشد متوسط علم در جهان به‌پیش رفته است. دستاوردهای دانش و فناوری ما در این مدت که ما را به رتبه‌ی شانزدهم در میان بیش از دویست کشور جهان رسانید و مایه شگفتی ناظران جهانی شد و در برخی از رشته‌های حسّاس و نوپدید به رتبه‌های نخستین ارتقاء داد، همه و همه در حالی اتفاق افتاده که کشور دچار تحریم مالی و تحریم علمی بوده است.



شکل ۶- دارایی حاصل از مستمری دوران زندگی به نسبت درآمد شغلی (نمودار خطی) و سود جمعیتی دوم (نمودار ناحیه‌ای)، برحسب سال‌های پس از آغاز سود جمعیتی اول

امروزه انسان محور توسعه شناخته می‌شود به‌گونه‌ای که هم به‌عنوان هدف و هم مهم‌ترین عامل در کانون توسعه پایدار مورد توجه است و سرمایه انسانی با ارزش‌ترین دارایی و سرمایه هر کشور است [۳۴]. سرمایه انسانی غالباً شامل سازهایی نظیر دانش، مهارت‌ها، توانایی‌ها، تجربه و انگیزش بوده‌اند که از رویکرد تحلیل سطح فردی حمایت می‌کنند [۳۱]. سرمایه انسانی توسط نظریه‌پردازان مدیریت دانش نیز به‌عنوان یک مفهوم مطرح شده که شامل دانش، مهارت و تخصص است. دانش شامل شناخت داشتن، به خاطر آوردن، درک کردن و آگاهی نظام‌مند و ساختارمند است. «مهارت» شامل برتری نسبی در انجام کاری در مقایسه با دیگران در حرفه و شغل موردنظر کار و فعالیت است و «تخصص» عبارت است از برتری مطلق فرد در مقایسه با دیگران در انجام کار و فعالیت‌های مرتبط به حوزه تخصص وی که از سرمایه تخصصی صنعت یا حرفه به‌عنوان یکی از انواع سرمایه انسانی یاد می‌کند.

با توجه به این که دنیا تحولات جدیدی را در حوزه مبارزه با نظام سرمایه‌داری محض مشاهده می‌کند اهمیت نیروی انسانی بیش از گذشته و بیش از هر دوره و زمانی نمود پیدا می‌کند. امروزه، نقش و اهمیت نیروی انسانی در فرآیند تولید جوامع بشری به مثابه مهم‌ترین عامل تولید جلوه‌گر شده است. در واقع سرمایه انسانی کارآمد و خلاق تعیین‌کننده عملکرد برتر و توان رقابتی کشورهاست [۷ و ۲۲]. منافع اقتصادی، در سرمایه انسانی با تأکید بر شایستگی‌های درونی و مهارت‌های ذخیره‌شده افراد نسبت داده می‌شود و ابزار وحدت استراتژی‌ها و یا فرآیندهایی است که از طریق استقرار سیستم‌های بهبود و فرآیندهای جذب، توسعه و نگهداشت و استفاده از مهارت‌ها و توانایی‌های مورد نیاز نیروی کار و شایستگی‌های آن‌ها مطابق با نیازهای کسب‌وکار فعلی و آتی، موجب افزایش بهره‌وری جامعه و کشور می‌شود [۲۷]. مدیریت سرمایه انسانی به انسان‌ها به شکل دارایی و مدیریت منابع انسانی به انسان‌ها به شکل هزینه می‌نگرد و بر این اعتقاد است که در مدیریت سرمایه انسانی انسان‌ها ارزش افزوده ایجاد می‌کنند و سربار به حساب نمی‌آیند. در صورتی که در مدیریت منابع انسانی، انسان‌ها به عنوان هزینه عمده‌ای تلقی می‌شوند که باید آن‌ها را متناسب با این هزینه‌ها مورد مدیریت قرار داد.

سرمایه انسانی دربردارنده‌ی هر گونه یادگیری آگاهانه ارزش‌آفرین است، که منجر به شکوفایی اندیشه و عقل فرد می‌شود. بر اساس همین دیدگاه سرمایه انسانی دربرگیرنده‌ی سه مؤلفه اصلی توانایی‌های شناختی است که مؤلفه اول شامل اطلاعات و بهره‌مندی از دانش، مهارت و تخصص همراه با توان به‌کارگیری و تسهیم و توسعه هر یک از آن‌ها است. مؤلفه دوم شامل مهارت‌های فراشناختی از جمله آگاهی از افکار و فرآیند یادگیری شناختی خود همراه با نقاط قوت و ضعف مربوط به آن و همچنین توانایی اصلاح، تنظیم و بازآفرینی افکار، عقاید و فرآیند یادگیری خود است و مؤلفه سوم شایستگی‌های عاطفی ارتباطی که شامل شناخت و درک احساسات، عواطف و ویژگی‌های شخصیت، رفتاری خود و دیگران و توانمندی در مدیریت و توسعه آن‌ها است [۲۱].

سرمایه انسانی تا کنون نقش مهمی در رشد اقتصادی کشور داشته و نگاه اقتصاددانان را به عنوان سرمایه‌ای که در بلندمدت می‌توان از آن استفاده بهینه کرد به خود معطوف داشته است. از جمله ویژگی‌های سرمایه انسانی می‌توان به دارایی‌های نامشهود، عامل کیفی مؤثر در فرآیند تولید، موتور رشد در بخش‌های اقتصادی و متغیری مهم در توضیح رفتار رشد اقتصادی، اشاره کرد.

یکی از مهم‌ترین شاخص‌ها در تعیین میزان فعالیت و رشد اقتصادی هر جامعه، شاخص اشتغال و بهره‌وری نیروی کار است و بهره‌وری نیروی کار افزایش نمی‌یابد، مگر با آموزش؛ یعنی با نهادینه شدن دانش در نیروی کار که همان سرمایه انسانی است. سرمایه انسانی نشان‌دهنده دانش ضمنی افراد است که در ذهن آنها جای گرفته و منبع مهمی از نوآوری و علم و پژوهش است و کشورها با استفاده از آن می‌توانند در اقتصاد مبتنی بر دانش به تولید و شناسایی ارزش بپردازد. تقویت سلامت و تحصیلات افراد نه تنها بالذات دارای ارزش است بلکه، بالتبع به دلیل تأثیراتی که در ارتقاء بهره‌وری دارد مطلوب است. بدین معنی که سلامت و آموزش بهتر، به تقویت بهره‌وری می‌انجامد و بهره‌وری بیشتر نیز بر نیروی کار اثر گذاشته و منجر به افزایش تولید همراه با کیفیت می‌شود. عواملی همچون آموزش، سلامت زندگی افراد را تحت تأثیر قرار داده و در آینده منافع ایجاد می‌کنند.

آموزش، انسان را به سرمایه انسانی تبدیل می‌کند که دربرگیرنده مهارت مورد نیاز برای بخش سنتی و بخش مدرن اقتصاد است و قدرت تولیدی اشخاص را بیشتر می‌کند. آموزش فنی و عمومی هر دو از طریق ایجاد توانایی در افزایش قدرت تولیدی جمعیت و به‌ویژه نیروی کار باعث افزایش درآمد می‌شود. هسته اصلی نظریه سرمایه انسانی آن است که آموزش، قدرت تولیدی نیروی کار را افزایش می‌دهد و آن نیز به افزایش رشد اقتصادی منجر می‌شود. انباشت سرمایه انسانی برای رشد اقتصادی اهمیت حیاتی دارد و سرمایه انسانی با علامت مثبت بر رشد اقتصادی اثر می‌گذارد، به عبارت دیگر، بالاتر بودن سرمایه انسانی به معنای توانایی بیشتر نیروی کار و امکان به‌کارگیری فناوری‌های جدید و به‌طور خلاصه، بهره‌وری بالاتر نیروی کار است، بنابراین از جنبه نظری هراندازه موجودی سرمایه انسانی در کشور بالاتر باشد، رشد اقتصادی آن نیز بالاتر خواهد بود. از سوی دیگر، هر چه نیروی کار آموزش بیشتری دریافت کند، سرمایه انسانی نیز افزایش پیدا خواهد کرد و این افزایش اثر خود را بر تولید سرانه بر جای می‌گذارد.

سرمایه انسانی از طریق دانش، مهارت، شایستگی‌ها و دیگر ویژگی‌های تجسم‌یافته در افراد به ایجاد شخص، اجتماع و رفاه اقتصادی کمک می‌کند [۲۶]. همان‌طور که در جدول ۳ شاخص‌های نیروی کار نشان داده شده است، در ایران سهم جمعیت شاغل فارغ‌التحصیل نسبت به جمعیت شاغل کشور افزایش داشته و از ۲۳/۸ درصد در سال

۱۳۹۷ به ۲۴/۷ درصد در سال ۱۳۹۸ رسیده است. از طرفی سهم جمعیت بیکار فارغ التحصیل از کل بیکاران ۴۱/۶ درصد است.

جدول ۳- شاخص‌های نیروی کار

کل کشور			شاخص نیروی کار	
تغییرات	۱۳۹۷	۱۳۹۸	نرخ	
-۰/۵	۴۴/۵	۴۴/۱	نرخ	مشارکت اقتصادی (جمعیت ۱۵ ساله و بیشتر)
۲۵۵۷۷	۲۷۱۴۱۵۲۸	۲۷۱۶۷۱/۵	تعداد	
۰/۳	۳۹/۱	۳۹/۴	نرخ	اشتغال جمعیت ۱۵ ساله و بیشتر
۴۲۹۹۶۴	۲۳۸۴۳۵۵۳	۲۴۲۷۳۵۱۷	تعداد	
-۱/۵	۱۲/۲	۱۰/۷	نرخ	بیکاری جمعیت ۱۵ ساله و بیشتر
-۴۰۴۳۹۰	۳۲۹۷۹۷۸	۲۸۹۳۵۸۸	تعداد	
-۱/۷	۲۷/۷	۲۶/۰	نرخ	بیکاری جوانان ۱۵ تا ۲۴ ساله
-۹۵۱۰۸	۸۰۸۳۹۱	۷۱۳۲۸۳	تعداد	
-۱/۶	۱۸/۳	۱۶/۷	نرخ	بیکاری جمعیت فارغ التحصیل آموزش عالی
۶۶۹۳۳	۱۲۷۱۷۲۹	۱۲۰۴۷۹۶	تعداد	
۳/۰	۳۸/۶	۴۱/۶		سهم جمعیت بیکار فارغ التحصیل از کل بیکاران
۰/۸	۲۳/۹	۲۴/۷		سهم جمعیت شاغل فارغ التحصیل از کل شاغلان

منبع: [۱۸].

در دنیای امروز، سرمایه‌های انسانی به‌عنوان باارزش‌ترین منابع کشوری است که رشد و توسعه جامعه و کشور، در گرو استفاده صحیح از آن است و یکی از شاخص‌های پیشرفت و توسعه کشورها داشتن سرمایه‌های انسانی کارا و بهره‌ور و توانمند است. اگر جامعه‌ای از این مزیت رقابتی برخوردار نباشد به‌طور قطع نمی‌تواند به هدف‌های مورد نظر خود دست یابد. کشورهای در حال توسعه در حوزه سرمایه انسانی و فرصت جوانی جمعیت به‌واسطه آموزش‌ها و افق وسیع کاری برای تطبیق با فناوری‌های نوین و در حال تغییر می‌توانند به جایگاه بسیار بهتری برسند و ابتکار عمل و انرژی‌شان را در جهت این منفعت به‌کار گیرند. برای دستیابی به رشد اقتصادی بیشتر علاوه بر سرمایه انسانی، نیروی کار نیز مورد نیاز است و ضروری است سیاستگذاران به کیفیت این نهاد نیز توجه کنند و با تشکیل دوره‌ها و کارگاه‌های آموزشی تخصصی برای نیروی کار غیر ماهر، سطح مهارت و تخصص آن‌ها را افزایش دهند. افزایش مهارت‌ها، قابلیت‌ها و کارآمدی بیشتر نیروی

کار غیر ماهر موجب ارتقای کیفیت تولید و نیز بالا بردن کارایی استفاده از سرمایه‌های مادی و به‌کارگیری بهینه آن‌ها می‌شود.

۶- گام دوم انقلاب و رشد اقتصادی پایدار

مقام معظم رهبری در گام دوم انقلاب در سرفصل‌ها و توصیه‌های اساسی با اشاره به اقتصاد می‌فرماید: اقتصاد یک نقطه کلیدی تعیین‌کننده است. اقتصاد قوی، نقطه قوت و عامل مهم سلطه ناپذیری و نفوذناپذیری کشور است و اقتصاد ضعیف، نقطه ضعف و زمینه‌ساز نفوذ و سلطه و دخالت دشمنان است. فقر و غنا در مادیات و معنویات بشر اثر می‌گذارد، اقتصاد البته هدف جامعه‌ی اسلامی نیست، اما وسیله‌ای است که بدون آن نمی‌توان به هدف‌ها رسید. تأکید بر تقویت اقتصاد مستقل کشور که مبتنی بر تولید انبوه و باکیفیت و توزیع عدالت محور و مصرف به‌اندازه و بی‌اسراف و مناسبات مدیریتی خردمندانه است و در سال‌های اخیر از سوی ایشان بارها تکرار و بر آن تأکید شده، به‌خاطر همین تأثیر شگرفی است که اقتصاد می‌تواند بر زندگی امروز و فردای جامعه بگذارد. مهم‌ترین عیوب، وابستگی اقتصاد به نفت، دولتی بودن بخش‌هایی از اقتصاد که در حیطه وظایف دولت نیست، نگاه به خارج و نه به توان و ظرفیت داخلی، استفاده اندک از ظرفیت نیروی انسانی کشور، بودجه‌بندی نامتوازن و سرانجام، عدم ثبات سیاست‌های اجرایی اقتصاد و عدم رعایت اولویت‌ها و وجود هزینه‌های زائد و حتی مسرفانه در بخش‌هایی از دستگاه‌های حاکمیت است. نتیجه این‌ها مشکلات زندگی مردم از قبیل بیکاری جوان‌ها، فقر درآمدی در طبقه‌ی ضعیف و امثال آن است؛ که راه حل این مشکلات، سیاست‌های اقتصاد مقاومتی است و باید برنامه‌های اجرایی برای همه بخش‌های آن تهیه و با قدرت و نشاط کاری و احساس مسئولیت، در دولت‌ها پیگیری و اقدام شود. درون‌زایی اقتصاد کشور، مولد شدن و دانش‌بنیان شدن آن، مردمی کردن اقتصاد و تصدی‌گری نکردن دولت، برون‌گرایی با استفاده از ظرفیت‌هایی که قبلاً به آن اشاره شد، بخش‌های مهم این راه‌حل‌ها است. بی‌گمان یک مجموعه جوان و دانا و مؤمن و مسلط بر دانسته‌های اقتصادی در درون دولت خواهند توانست به این مقاصد برسند. دوران پیشرو باید میدان فعالیت چنین مجموعه‌ای باشد.

اصلی‌ترین زیرساخت‌های توسعه پایدار توجه و تقویت سرمایه‌های انسانی و اجتماعی است. در تولید و رشد اقتصادی سه عامل نقش اساسی ایفا می‌کند، همان‌طور که سرمایه فیزیکی، با ایجاد تغییرات در مواد، برای شکل دادن به ابزارهایی که تولید را تسهیل می‌کنند به وجود می‌آیند، سرمایه انسانی نیز با تغییر دادن افراد یک جامعه برای واگذاری مهارت‌ها و توانایی‌ها به آن‌ها پدید می‌آیند و انسان‌ها را توانا می‌سازند تا به شیوه‌هایی جدید و مطلوب‌تر رفتار کنند و سرمایه اجتماعی به مجموع منابعی که در بنیاد روابط خانوادگی و در سازمان اجتماعی جامعه وجود دارد و برای رشد شناختی و اجتماعی افراد آن سودمند است، اطلاق می‌شود و به روابط اقتدار، اعتماد و هنجارهای یک جامعه برمی‌گردد. هرچقدر این سه سرمایه ضریب فزاینده یا ضریب تکاثر بیشتری داشته باشند، نقش پررنگ‌تری را در رشد اقتصادی و به تبع آن بر بهره‌وری ایفا می‌کنند.

پنجره و موهبت جمعیتی به دو دلیل موجب ایجاد فرصت‌هایی برای رشد تولید سرانه و رشد اقتصادی می‌شود، اول اینکه با افزایش تولید ملی، نوعی تأثیر خالص ساختار سنی در GDP کل وجود دارد و افزایش جمعیت در سنین فعالیت منجر به افزایش نسبت تولیدکنندگان به مصرف‌کنندگان می‌شود و این شرایط برای رشد تولید سرانه مطلوب است. مورد دوم به مدیریت مصرف که بر اثرات رفتاری ساختار سنی در حال تغییر برمی‌گردد، ارتباط دارد. اثرات رفتاری اشکال مختلفی دارند زیرا در یکسو بدنه در حال رشدی از نیروی کار جوان در ساختار نیروی کار وجود دارد که می‌تواند بهره‌وری و تولید را افزایش دهد و در سوی دیگر، با توجه به الگوی چرخه زندگی، تغییرات ساختار سنی با ایجاد تغییراتی در الگوهای تولید و مصرف منجر به افزایش تولید و پس‌انداز می‌شود.

اقتصاددانان وضعیت تورم جوانی را به عنوان «فرصت طلایی» برای رشد اقتصادی در نظر می‌گیرند. این وضعیت که از آن به عنوان دوران طلایی جمعیت نیز نامبرده می‌شود تا دهه ۱۴۳۰ طول می‌کشد. در این دوران نسبت جمعیت در سنین فعالیت افزایش یافته و به حداکثر خود یعنی حدود ۷۰ درصد می‌رسد. در حال حاضر، در کشور ۶۹/۱ درصد جمعیت در سنین فعالیت ۶۴-۱۵ سال قرار دارد. برخی از اقتصاددانان، افزایش و تراکم جمعیت را علت اساسی فنون تولیدی و در نتیجه، رشد و پیشرفت اقتصادی می‌دانند [۱۱].

از دیدگاه جهانی نیز یکی از مشخصه‌های توسعه، رشد جمعیت است و اهمیت موضوع در اینجا است که با وجود چشم‌اندازهای مثبت در تأثیر تحولات ساختار جمعیتی در رشد اقتصادی هیچ‌یک از دو مرحله سود جمعیتی به‌خودی خود رخ نمی‌دهد و اساساً شرایط

بالقوه‌ای است که صرفاً با سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی مؤثر و متناسب با هر دوران می‌تواند به فعل درآید. بدیهی است به فعل درآمدن این فرصت بالقوه در بُعد اقتصادی، مستلزم توجه ویژه به نقش تغییرات ساختار سنی در «چرخه عمر اقتصادی» است. یک نقش بسیار مهم و کلان تغییرات ساختار سنی در چرخه عمر اقتصادی، تأثیر آن در رشد اقتصادی است. برای این منظور، مدل‌های اقتصادی و جمعیت‌شناختی اندازه‌گیری میزان تأثیرپذیری رشد اقتصادی از تغییرات ساختار سنی جمعیت (با فرض ثابت بودن تأثیر سایر عوامل) ارائه شد که مقوله حساب‌های ملی انتقالات و سود جمعیتی اول و دوم در ایران و جهان محورهای اصلی بحث را به خود اختصاص دادند تا مشخص شود در چه دوره زمانی، سوددهی جمعیتی، مثبت و در چه دوره زمانی این سوددهی منفی است. نتایج بررسی‌ها نشان داد که زمینه سود جمعیتی اول به مدت حدوداً ۴۰ سال از اواسط دهه ۱۳۶۰ تا اواسط دهه ۱۴۱۰ فراهم شده و در مقاطع میانی دوره زمانی مذکور تا بیشینه‌ای در حدود ۲/۳ درصد از رقم مربوط به رشد اقتصادی ایران (بدون در نظر گرفتن تأثیر سایر عوامل) به سود جمعیتی اول اختصاص داشته است. پیش‌بینی‌ها نیز نشان داد پس از این دوره، زمینه سود جمعیتی دوم در ایران آغاز می‌شود که از لحاظ مقدار افزایش سالانه در رشد اقتصادی، در نقطه اوج از مرز ۲ درصد نیز فراتر می‌رود و از لحاظ زمانی تا حدود ۸۸ سال به‌طور پیوسته دوام دارد که متوسط این سود برای قاره‌های مختلف دنیا در نقطه اوج به یک درصد افزایش سالانه در رشد اقتصادی می‌رسد و از لحاظ زمان، برای بیش از ۱۵۰ سال ماندگار خواهد بود.

در اهداف قانون برنامه پنج‌ساله ششم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران (۱۳۹۶-۱۴۰۰) که در جدول شماره ۴ نمایش داده شده است، به‌منظور دستیابی به رشد اقتصادی متوسط سالانه هشت درصد و ضریب جینی (۰/۳۴) در سال پایانی برنامه، اهداف کمی کلان و بخش‌های اقتصادی به تفکیک تعیین شده است.

در ماده چهار قانون برنامه پنج‌ساله ششم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران که در جدول شماره ۵ نمایش داده شده است، و تأمین حداقل دو و هشت‌دهم درصد از رشد هشت درصدی اقتصاد از محل ارتقای بهره‌وری کل عوامل تولید و همچنین رشد سرمایه‌گذاری به میزان متوسط سالانه بیست و یک و چهاردهم درصد تعیین شده است.

جدول ۴- شاخص‌های مهم اقتصاد کلان در برنامه ششم

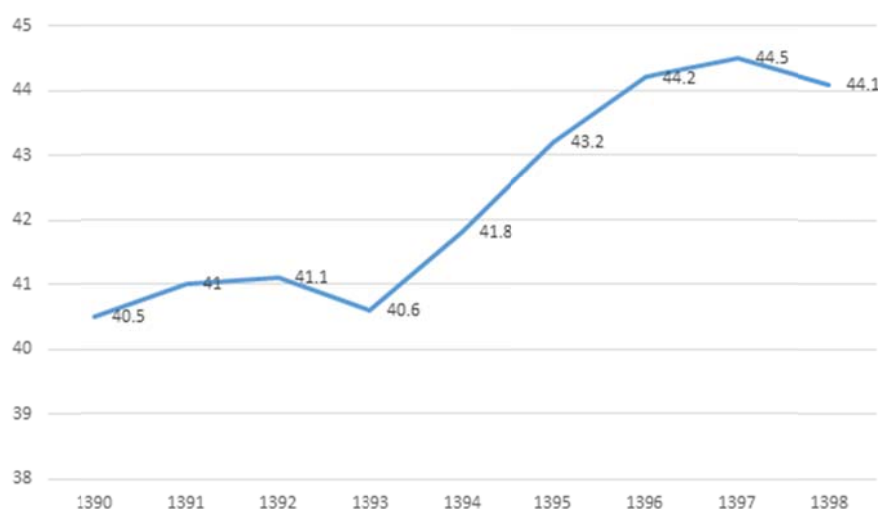
ردیف	نام شاخص	واحد اندازه‌گیری	سال پایه ۱۳۹۵	۱۳۹۶	۱۴۰۰	متوسط در برنامه ششم (درصد)
۱	تولید ناخالص داخلی	هزار میلیارد ریال به قیمت ثابت ۱۳۸۳	۲۰۹۵	۲۲۵۶	۲۰۷۸	(متوسط رشد سالانه) ۸
۲	تولید سرانه	میلیون ریال به ازای هر نفر به قیمت ثابت ۱۳۸۳	۲۶/۱	۲۷/۸	۳۶/۱	(متوسط رشد سالانه) ۶/۷
۳	بهره‌وری در کل عوامل تولید	شاخص (۱۰۰۰- ۱۳۹۵)	۱۰۰	۱۰۲	۱۱۵	(متوسط رشد سالانه) ۲/۸
۴	تشکیل سرمایه ثابت ناخالص	هزار میلیارد ریال به قیمت ثابت ۱۳۹۸	۴۴۰	۴۹۵	۱۱۶۰	(متوسط رشد سالانه) ۲۱/۴
۵	هزینه‌های مصرفی کل	هزار میلیارد ریال به قیمت ثابت ۱۳۹۸	۱۱۹۷	۱۲۶۳	۱۵۲۴	(متوسط رشد سالانه) ۵
۶	صادرات غیر نفتی کالا و خدمات (بدون میعانات گازی)	میلیون دلار	۴۲۱۵۰	۴۷۵۸۳	۱۱۲۷۳۹	(متوسط رشد سالانه) ۲۱/۷
۷	واردات کل	میلیون دلار	۶۹۹۶۷	۸۶۵۵۷	۱۵۲۴۹۷	(متوسط رشد سالانه) ۱۶/۹
۸	تقدینگی	هزار میلیارد دلار	۱۳۰۰۳	۱۵۶۰۴	۲۸۵۰۸	(متوسط رشد سالانه) ۱۷
۹	نرخ تورم	درصد	۷/۹	۸/۳	۷/۹	(متوسط برنامه) ۸/۸
۱۰	نرخ بیکاری	درصد	۱۲/۶	۱۲	۸/۶	(متوسط برنامه) ۱۰/۲

جدول ۵- متغیرهای اقتصادی در برنامه ششم توسعه

شاخص‌ها	کشاورزی	فناوری	معدن	صنعت	آب و برق و گاز	ساخت‌وساز	ترابری و حمل و نقل	ارتباطات	خدمات	زیرساخت
متوسط رشد سالانه ارزش افزوده (درصد)	۸/۰	۷/۰	۸/۸	۹/۳	۹/۰	۷/۵	۸/۳	۱۹/۴	۵/۸	۸/۰
متوسط رشد سالانه اشتغال (درصد)	۳/۹	۲/۱	۴/۶	۳/۴	۶/۶	۳/۷	۵/۰	۹/۵	۴/۳	۳/۹
متوسط رشد سالانه سرمایه‌گذاری (درصد)	۲۰/۳	۳۹/۵	صنعت و معدن ۲۶/۱		۳۰/۲	۲۶/۵	۲۲/۶	۵۱/۸	۱۸/۱	۲۱/۵
متوسط رشد سالانه بهره‌وری کل عوامل تولید (درصد)	۳/۲	۱/۸	۲/۴	۲/۰	۲/۰	۲/۸	۲/۱	۶/۵	۰/۸	۲/۸

نرخ مشارکت از مهم‌ترین شاخص‌های ارزیابی بازار کار و اقتصاد یک کشور به شمار می‌آید. نرخ مشارکت اقتصادی یا همان نرخ فعالیت، عبارت است از نسبت جمعیت فعال (شاغل و بیکار) به جمعیت در سن کار. در واقع جمعیت فعال از جمع شاغلین و بیکاران (افراد جویای کار) به دست می‌آید. با توجه به تعریف ارائه شده مشخص می‌شود نرخ مشارکت اقتصادی به متغیرهایی چون جمعیت فعال و جمعیت در سن کار که در دل خود جمعیت غیر فعال را نهفته دارد، وابسته است. در نمودار شکل ۷ نرخ مشارکت اقتصادی از سال ۱۳۹۰ تا ۱۳۹۸ نمایش داده شده است، نرخ مشارکت اقتصادی به عنوان یکی از متغیرهای مهم در تحلیل بازار کار در سال ۱۳۹۸ به ۴۴/۱ درصد افزایش یافته است؛ به عبارتی ۴۴/۱ درصد افراد ۱۵ ساله و بیشتر از نظر اقتصادی فعال

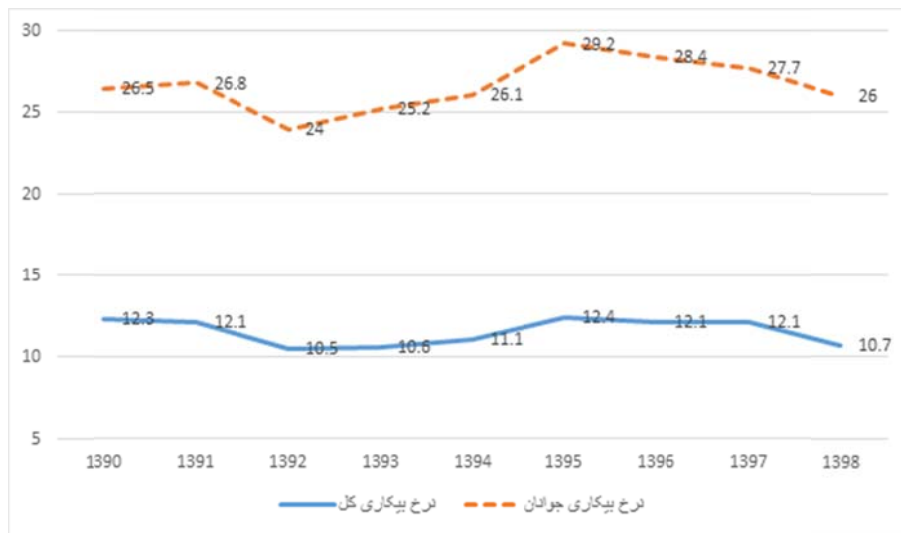
هستند و در گروه شاغلان یا بیکاران قرار دارند و روند تغییرات نرخ مشارکت اقتصادی کل کشور بیانگر آن است که این شاخص در سال ۹۸ نسبت به سال گذشته ۰/۴ درصد کاهش داشته است، از طرفی نرخ مشارکت اقتصادی در جهان حدود ۶۰ درصد است که نرخ مشارکت اقتصادی پایین ایران نشان از آن دارد که درصد قابل توجهی از جمعیت در سنین فعالیت در بازار کار حضور ندارند و در حقیقت از زمره جمعیت فعال کشور خارج هستند. این مساله ممکن است دلایل گوناگونی داشته باشد. اما در مجموع به معنی عدم توانایی جامعه در مدیریت سرمایه انسانی، بکارگیری آن و نیز نابسامانی شرایط اقتصادی است.



شکل ۷- نرخ مشارکت اقتصادی در کل کشور از سال ۱۳۸۴ تا ۱۳۹۸، [۱۶].

همچنین بررسی گزارش آماری سال ۱۳۹۸ از نرخ بیکاری کشور در شکل ۸ نشان می‌دهد که ۱۰/۷ درصد از «جمعیت در سن کار»، بیکار هستند. بر این اساس از حدود ۲۷ میلیون و ۱۶۷ هزار نفر جمعیت فعال کشور، ۲۴ میلیون و ۲۷۴ هزار نفر شاغل و ۲ میلیون و ۸۹۴ هزار نفر نیز بیکار هستند، شاخص بیکاری جوانان ۱۵ تا ۲۹ ساله نیز در سال گذشته کاهش داشته این نرخ در سال ۹۸ معادل ۲۶ درصد بوده است و طبق جدول

شماره ۳ متوسط رشد سالانه اشتغال در برنامه ششم توسعه باید به ۳/۹ برسد یعنی سالانه نهصد هزار نفر به جمعیت شاغلان اضافه شود.



شکل ۸- نرخ بیکاری در کل کشور از سال ۱۳۸۴ تا ۱۳۹۸، [۱۷].

افزایش نرخ رشد جمعیت روی رشد و توسعه اقتصادی نقش اساسی دارد. چون در یک جمعیت، اندازه نیروی کار و کیفیت آن مهم است و هرچه ساختار جمعیت در کشور به سمت نیروی جوان حرکت کند پایین هرم جمعیت گسترده‌تر می‌شود، به این معنا که جمعیت جوان بیشترین رقم جمعیت را تشکیل می‌دهد.

۷- نتیجه‌گیری و الزامات سیاستی

ایران دارای سیاست جمعیتی عمومی است که در سال ۱۳۹۲ توسط مقام معظم رهبری ابلاغ شده و جنبه‌های کمی و کیفی جمعیت را به‌خوبی پوشش می‌دهد. مقام معظم رهبری پویندگی و بالندگی جوانان را فرصت تاریخی برشمردند. تحولات ساختار سنی جمعیت و افزایش جمعیت در سنین فعالیت بین ۱۵ تا ۶۴ سال منجر به فرصت طلایی پنجره جمعیتی شده است در پنجره جمعیتی با تورم جوانی جمعیت روبه‌رو هستیم که پتانسیلی برای رشد شاخص‌های انسانی است و می‌تواند به بهترین صورت برای آرمان‌های توسعه

پایدار استفاده شود. بهره‌گیری از این فرصت جمعیتی می‌تواند به افزایش تولید، بهره‌وری و پس‌انداز منجر شود و نتایج اقتصادی ارزشمندی را برای کشور به دنبال داشته باشد. امروزه بهره‌وری از مهم‌ترین بحث‌های جهان است و در بحث سرمایه انسانی، بهره‌وری اهمیت ویژه‌ای دارد و هر چه ضریب تکاثر اثر سرمایه انسانی بر رشد اقتصادی بیشتر شود، بهره‌وری نیز بیشتر خواهد شد. سرمایه انسانی و نیروی کار به‌ویژه در کشورهایی که با مازاد این نیرو روبه‌رو هستند، بسیار حائز اهمیت است. در حال حاضر ایران نیز باید حداکثر استفاده را از این فرصت تاریخی کند و با گشایش پنجره جمعیتی، حجم اقتصاد کشور را بزرگ‌تر از قبل نماید.

با افزایش جمعیت، عرضه نیروی کار زیاد می‌شود، در صورت عدم توسعه اقتصادی و ایجاد اشتغال برای انبوه نیروی کار وارد به بازار، عرضه بر تقاضا پیشی می‌گیرد و بیکاری افزایش می‌یابد که این امر منجر به کاهش درآمد افراد، به تبع آن کاهش پس‌انداز و سرمایه‌گذاری خواهد شد و رشد تولید ناخالص داخلی کم خواهد شد اما در صورتی که سرمایه‌گذاری از طریق جذب سرمایه از طرق مختلف افزایش یابد، تقاضا برای نیروی کار و اشتغال افزایش می‌یابد، درآمد افراد و پس‌انداز آن‌ها نیز افزایش یافته و سرمایه‌گذاری را بیشتر رشد خواهد داد؛ در نتیجه با افزایش هر دو نهاده اقتصادی، تولید ناخالص داخلی رشد بیشتری خواهد داشت. جمعیت زمانی عامل توسعه است، که اقتصاد همراه با رشد جمعیت، رشد پایدار رو به جلو رود اما این اتفاقات تا کنون در کشور تأثیر زیادی در بزرگ‌تر شدن حجم اقتصاد کشور نداشته که لازم است با استفاده از مطالعات در زمینه سود جمعیتی و دیگر مفاهیم بین‌رشته‌ای، به بهبود اقتصاد کشور کمک نمود.

کشورهای در حال توسعه در حوزه سرمایه انسانی و فرصت جوانی جمعیت به واسطه آموزش‌ها و افق وسیع کاری برای تطبیق با فناوری‌های نوین و در حال تغییر، می‌توانند به جایگاه بسیار بهتری برسند و ابتکار عمل و انرژی‌شان را در جهت بهره‌گیری از این منفعت به کار گیرند. استفاده از جمعیت جوان برای پیشرفت در اقتصاد دانش‌بنیان، مستلزم ترغیب به سرمایه‌گذاری در آموزش در تمام سطوح، شامل آموزش عالی و نیز تلاش برای هدایت مردم به ترجیح دادن «آموزش برای زندگی» است. سیاست‌گذاران می‌توانند از سود جمعیتی برای سوق دادن منابع به سوی گسترش دسترسی به انواع پیشرفته‌تری از آموزش استفاده کنند و در راستای فرمایش مقام معظم رهبری که می‌فرمایند: «فرصت‌های مادی کشور فهرستی طولانی را تشکیل می‌دهد که مدیران کارآمد

و پیرانگیزه و خردمند می‌توانند با فعال کردن و بهره‌گیری از آن، درآمدهای ملی را با جهشی نمایان افزایش داده و کشور را ثروتمند و بی‌نیاز و به معنای واقعی دارای اعتماد به نفس کنند و مشکلات کنونی را برطرف نمایند.

اهمیت موضوع در اینجا است که با وجود چشم‌اندازهای مثبت در تأثیر تحولات ساختار جمعیتی در رشد اقتصادی، هیچ یک از دو مرحله سود جمعیتی به خودی خود رخ نمی‌دهد و اساساً شرایط بالقوه‌ای است که صرفاً با سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی مؤثر و متناسب با هر دوران می‌تواند به فعل درآید. لذا در این بخش به الزامات سیاستی و راهبردهای توسعه‌ای مواجهه با این پدیده در چشم‌انداز پیش روی تحولات جمعیتی ایران پرداخته می‌شود.

الزامات سیاستی: اولین و پایه‌ای‌ترین الزام سیاستی در زمینه بهره‌گیری از شرایط سود جمعیتی، اتخاذ راهبردهای کلان در حوزه تحقیقات و آینده‌پژوهی در این زمینه است تا مقدمه‌ای اساسی باشد بر فراهم نمودن زمینه‌های به فعل در آمدن فرصت‌های جمعیتی بالقوه نظیر پنجره جمعیتی و نظایر آن. همچنین تعیین متولی اجرایی و رسمی مشخص برای برنامه‌ریزی و اجرای موضوعات مهم جمعیتی نیز از جمله این موضوع کلان ملی، ضرورت بعدی است تا خلأهای اجرایی موجود بیش از این موجب غفلت و سهل‌انگاری از این‌گونه فرصت‌های بزرگ و در عین حال گذرا نشود. لذا همان‌گونه که این مقاله سعی بر معرفی و ترویج این مهم نموده، ضروری است به نحو شایسته نسبت به استمرار و نهادینه‌سازی موضوعاتی از این دست در نهادهای حاکمیتی و همچنین سازمان‌های مردم‌نهاد که می‌توانند نقش مؤثری در بدنه فرهنگی جامعه ایفا نمایند، اقدامات لازم در برنامه‌های توسعه کشور پیش‌بینی شود.

سایر الزامات سیاستی و راهبردهای کلان را می‌توان به حوزه‌هایی نظیر سلامت، بهداشت عمومی و دسترسی به مراقبت، حوزه‌های اقتصادی مرتبط با بازار کار، الگوی مصرف، پس‌انداز خصوصی (در سطح خانوار) و پس‌انداز ملی، حوزه سرمایه انسانی از جمله آموزش و ارتقای سطح سواد و مهارت و نیز آینده‌پژوهی در حوزه سالمندی جمعیت اختصاص داد که در سیاست‌های کلی متعددی نظیر سیاست‌های کلی جمعیت و سیاست‌های کلی خانواده نیز به شایستگی به این موضوعات پرداخته شده است. در حوزه سلامت، ارتقای بهداشت عمومی به عنوان قلب گذار جمعیتی شناخته می‌شود و اساساً این فرض مطرح است که ثروتمندتر شدن افراد جامعه تنها از مسیر سلامت می‌گذرد.

در حوزه بازار کار و با در نظر گرفتن شرایط پنجره فرصت جمعیتی در ایران که موجب افزایش جمعیت بالقوه فعال اقتصادی به بالاترین سطوح خود شده است، می‌توان گفت برخورداری از نیروی کار بیشتر، سالم‌تر و با تحصیلات بهتر تنها در شرایطی می‌تواند ثمره اقتصادی در برداشته باشد که حتی کارگران مازاد نیز به کار گرفته شوند. اقتصاد باز، نیروی کار انعطاف‌پذیر و نهادهای نوین که بتوانند اعتماد جمعیت و بازارها را به دست آورند، خواهند توانست به کشور در تحقق منافع بالقوه‌گذار جمعیتی کمک نمایند. دسترسی به بازارهای جهانی نیز یک راه مؤثر در جهت یافتن تقاضای کافی برای دستاوردهای ملی و رونق صادرات و نتیجتاً بهره‌مندی هر چه بیشتر از جمعیت نیروی کار در یک جامعه است، هرچند دیدگاه‌های معطوف به دسترسی به بازارهای جهانی، هم در زمینه مفهومی و هم در زمینه تجربی مورد انتقادهایی قرار دارند.

توجه به درجه انعطاف‌پذیری در بازار کار نیز در شرایطی که یک کشور با جمعیت در سن کار رو به رشد مواجه است، امری حیاتی می‌باشد. انعطاف‌پذیری به این معنی که کارفرمایان بتوانند به سرعت کسب‌وکار خود را گسترش داده یا منقبض نمایند، از یک حوزه کسب‌وکار به حوزه دیگر جابجا شوند و به راحتی دستمزد را کم یا زیاد نمایند و همچنین به این معنی که یک نفر شاغل بتواند الگوهای کاری خود را با تغییرات محیط کسب‌وکار پیرامون خود وفق دهد.

یکی از مشکلات اساسی حوزه جمعیتی کاهش باروری طی سه دهه گذشته است و با وجود نوسانات باروری، داده‌ها نشانگر کاهش باروری از سال ۱۳۶۵ به بعد است. با توجه به نگرانی‌هایی که ادامه کاهش باروری و عواقب ناشی از آن برای سیاست‌مداران و اقتصاددانان کشور ایجاد کرده، بررسی علل و زمینه‌های ایجاد کننده این کاهش می‌تواند در برنامه‌ریزی‌های آتی و سیاست‌گذاری‌های مناسب در جهت جلوگیری از کاهش بیشتر میزان باروری به کار آیند. تجربه گذار باروری در ایران بیانگر آن است که هر چند اتخاذ سیاست‌ها و اعمال برنامه‌های تنظیم خانواده عامل مؤثری بر سرعت کاهش باروری بوده است اما رفتارهای باروری مردم تحت تأثیر عوامل، شرایط و زمینه‌های دیگری هم شکل گرفته که در تحلیل روندهای باروری همواره باید به آن توجه کرد. در واقع با بررسی دقیق نحوه نگرش جوانان در آستانه ازدواج و زنان واقع در سن باروری، نسبت به فرزندآوری و شناخت متغیرهای اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی مؤثر بر این نوع نگرش‌ها می‌توان به

برنامه‌ریزان و سیاست‌گذاران کشور برای تدوین سیاست‌های هوشمند افزایش باروری کمک کرد.

بر اساس طرح پژوهشی که در پژوهشکده آمار ایران انجام شده است و در آن از دختران و پسران در آستانه ازدواج تمایل به فرزندآوری و مشکلات پیش روی فرزندآوری مورد پرسش قرار گرفته است، ۷۵ درصد پاسخگویان تمایل زیادی به فرزندآوری دارند و ۲۵ درصد نیز علاقه زیادی به پدر یا مادر شدن ندارند. بر اساس همین گزارش ۵۲/۹ درصد جوانان و ۶۶/۷ درصد زنان هزینه بالای پرورش فرزند و مسائل اقتصادی را مانع فرزندآوری می‌دانند [۲]. جهاد دانشگاهی نیز در مطالعه‌ای با عنوان «بررسی میزان تمایل به فرزندآوری و عوامل مرتبط با آن از نگاه مردم شهری و روستایی ایران» نگرانی در مورد تأمین آینده فرزندان جدید و افزایش مشکلات اقتصادی با آوردن فرزند را به عنوان دلایل اصلی عدم تمایل به فرزندآوری عنوان نموده است [۳]. در مطالعه بسیار جامع دیگری که توسط جهاد دانشگاهی البرز در همه استان‌های کشور انجام شده است فقط ۲۷/۳ درصد خانوارها تمایل به فرزندآوری داشتند و حدود ۵۳ درصد پاسخگویان هزینه‌های بالای فرزندان را عامل عدم تمایل خود به پدر یا مادر شدن می‌دانند [۴]. بنابراین بر اساس نتایج این پژوهش‌ها می‌توان نتیجه گرفت تمایل به فرزندآوری بین جوانان وجود دارد و از مشکلات اصلی در این زمینه، «شرایط اقتصادی» است. لذا با اتخاذ سیاست‌های مناسب جهت بهره‌گیری از پنجره جمعیتی و سود جمعیتی حاصل از آن، علاوه بر بهبود شرایط اقتصادی و افزایش درآمد سرانه خانوارهای کشور در مدت زمان بهره‌مندی از پنجره جمعیتی، می‌توان شرایط را برای کاهش سن ازدواج و افزایش توان اقتصادی خانوارها برای تأمین هزینه داشتن فرزندان بیشتر و افزایش نرخ باروری نیز مهیا نموده که این موضوع نیز به نوبه خود می‌تواند مدت زمان بهره‌مندی از پنجره جمعیتی را نیز افزایش دهد.

سیاست‌های مبتنی بر آینده‌پژوهی در حوزه سالمندی جمعیت نیز از این جهت قابل اتکاء است که پیامدهای قوی‌گذار جمعیتی، ماندگار و قابل پیش‌بینی هستند. جمعیت‌شناسی ماندگویی جادویی به سیاست‌گذاران این امکان را می‌دهد که سیاست‌هایی را برای دنیای فردا و نه لزوماً برای امروز اتخاذ نمایند. در مناطقی از دنیا، از هم‌اکنون برنامه‌ریزی برای جمعیت رو به افزایش سالمندان، به عنوان یک اقدام اساسی تلقی می‌شود. جمهوری اسلامی ایران نیز از این امر مستثنی نبوده و در شرایطی که طبق آخرین سرشماری عمومی

نفوس و مسکن در سال ۱۳۹۵ جمعیت سالمندان ۶۰ ساله و بیشتر به ۷ میلیون و ۴۱۴ هزار نفر معادل ۹/۳ درصد جمعیت کشور رسیده است [۱۴]، دربند ۷ سیاست‌های کلی جمعیت که در خصوص سالمندان تبیین شده است و لازم است کشور برنامه‌های مشخصی در همین راستا داشته باشد.

با توجه به این که نقش ایجابی عامل جمعیت در پیشرفت کشور در فرمایشات مقام معظم رهبری که فرمودند: «لازم است برنامه‌ریزی‌های جامع برای رشد اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کشور متناسب با سیاست‌های جمعیتی انجام گیرد»، تأکید شده است ضروری است با هماهنگی و تقسیم کار بین ارکان نظام و دستگاه‌های ذیربط در این زمینه، اقدامات لازم با دقت، سرعت و قوت صورت گیرد و نتایج رصد مستمر اجرای سیاست‌ها گزارش شود. یکی از موارد بسیار مهم رصد مداوم مباحث جمعیتی است که نیاز مبرم به آمارهای جمعیتی به روز و بهنگام دارد برای این منظور لازم است سرشماری نفوس و مسکن به سمت سرشماری ثبتي مبنا (همان‌گونه که کشورهای پیشرو دنیا به این سمت حرکت کرده‌اند) برود و پایگاه‌های آماری ثبتي با کیفیت در دستگاه‌های مربوطه ایجاد شود و در این راستا لازم است همگرایی ملی با محوریت مرکز آمار ایران در کشور برای حل این مسأله بنیادی و توسعه‌ای صورت گیرد.

توضیحات

1. Bo
2. Somme stand
3. World Population Prospects
4. Demographic Window of Opportunity
5. Economic Life Cycle
6. Demographic Dividend
7. Inflows and Outflows
8. National Transfer Accounts (NTA)
9. Support Ratio
۱۰. نسبت حمایت از تقسیم تعداد شاغلین مؤثر (تعداد افرادی که هر کدام، نسبتی از متوسط یک واحد تولید افراد در سن کار را تواید می‌کنند) بر تعداد مصرف کنندگان مؤثر (تعداد

افرادی که هر کدام، نسبتی از متوسط یک واحد مصرف افراد در سن کار را مصرف می‌کنند) بدست می‌آید.

11. Labor Force Productivity

12. Economic flows

۱۳. متغیر $Y(t)$ میزان کل درآمد افراد شاغل و متغیر $L(t)$ تعداد افراد شاغل.

14. Dosenbery

مرجع‌ها

- [۱] بیانیه «گام دوم انقلاب» خطاب به ملت ایران (۱۳۹۷). پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت‌الله‌العظمی سیدعلی خامنه‌ای (مدظله‌العالی) - مؤسسه پژوهشی فرهنگی انقلاب اسلامی.
- [۲] پژوهشکده آمار ایران (۱۳۹۴). بررسی نحوه نگرش جوانان در آستانه ازدواج و زنان همسر دار ۱۵-۴۹ ساله نسبت به فرزندآوری و شناخت عوامل اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی موثر بر آن.
- [۳] جهاد دانشگاهی (۱۳۹۵). بررسی میزان تمایل به فرزندآوری و عوامل مرتبط با آن از نگاه مردم شهری و روستایی ایران.
- [۴] جهاد دانشگاهی واحد البرز (۱۳۹۷). پیمایش زندگی خانوادگی در ایران.
- [۵] حشمتی، محمدرسول؛ دریکنده، علی؛ مهدی، محمد (۱۳۹۲). تبیین تأثیر ابعاد سرمایه اجتماعی بر سرمایه فکری در دانشگاه امام علی (ع) مطالعات کمی در مدیریت.
- [۶] دارایی، محمدرضا؛ ایمانی، محسن؛ سلیمانی، محمد (۱۳۹۴). شناسایی و بررسی شاخص‌های ارزش‌گذاری سرمایه‌های فکری دانش محور (مطالعه موردی) مرکز تحقیقات هوایی. دومین کنفرانس بین‌المللی مدیریت و مهندسی صنایع، استانبول.
- [۷] ذیگلری، فاطمه (۱۳۸۴). بررسی نقش دانشگاه در ایجاد سرمایه انسانی و ارائه مدل مناسب برای ارتقاء نظام آموزش عالی کشور. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم تحقیقات تهران.
- [۸] شکری، فرزانه؛ شجاع نوری، فروغ الصباح (۱۳۹۲). چالش‌های روش‌شناختی و معرفتی در پژوهش‌های موجود جمعیتی، معرفت سال ۲۲، شماره ۱۸۹، صص ۵۹-۷۱.
- [۹] صنوبری، محمد، (۱۳۸۸). مقدمه‌ای بر سرمایه انسانی مفاهیم، ویژگی‌ها و شاخص‌های اندازه‌گیری. دوماهنامه توسعه انسانی پلیس شماره ۲۲، صص ۱۱۹-۱۳۶.

- [۱۰] فولادی، محمد (۱۳۹۰). تأملی بر سیاست کنترل جمعیت، آثار و پیامدهای آن. معرفت فرهنگی اجتماعی، شماره ۹، صص ۱۵۳-۱۸۰.
- [۱۱] کلانتری، صمد؛ صادقی ده چشمه، ستار (۱۳۸۵). برآورد و مقایسه چند شاخص جمعیتی در ایران و برخی کشورهای توسعه یافته و در حال توسعه. فصلنامه جمعیت، شماره ۵۵-۵۶، صص ۱۳۳-۱۵۰.
- [۱۲] محزون، علی اکبر (۱۳۹۶). پنجره جمعیتی، انتقالات اقتصادی نسلی و چشم انداز سود جمعیتی اول و دوم در ایران. فصلنامه جمعیت. شماره های ۹۹ و ۱۰۰، صص ۱-۲۳.
- [۱۳] مرکز آمار ایران (۱۳۹۴). ترجمه، سیستم حساب های ملی ۲۰۰۸، تهران، انتشارات مرکز آمار ایران.
- [۱۴] مرکز آمار ایران (۱۳۹۶a). گزیده نتایج سرشماری عمومی نفوس و مسکن ۱۳۹۵، تهران، انتشارات مرکز آمار ایران.
- [۱۵] مرکز آمار ایران (۱۳۹۶b). بررسی شاخص های عمده بازار کار در سال های ۱۳۸۴ تا ۱۳۹۵، تهران، انتشارات مرکز آمار ایران.
- [۱۶] مرکز آمار ایران (۱۳۹۸). نرخ مشارکت اقتصادی در ۱۳۸۴ تا ۱۳۹۸، تهران، انتشارات مرکز آمار ایران.
- [۱۷] مرکز آمار ایران (۱۳۹۸). نرخ بیکاری کل کشور در ۱۳۸۴ تا ۱۳۹۸، تهران، انتشارات مرکز آمار ایران.
- [۱۸] مرکز آمار ایران (۱۳۹۸). فهرست مرجع شاخص نیروی کار، تهران، انتشارات مرکز آمار ایران.
- [۱۹] میرزایی، محمد؛ مشفق، محمود (۱۳۸۹). انتقال سنی در ایران: تحولات سنی جمعیت و سیاستگذاری های اجتماعی، جمعیتی، فصلنامه جمعیت، شماره ۷۱-۷۲، صص ۱-۲۲.
- [۲۰] مهرگان، نادر؛ رضائی، روح الله (۱۳۸۸). اثر ساختار سنی جمعیت بر رشد اقتصادی پژوهش های اقتصادی ایران، شماره ۳۹، صص ۱۳۷-۱۴۶.
- [۲۱] نادری، ابوالقاسم (۱۳۹۴). سنجش و ارزیابی سرمایه انسانی بر پایه الگوی یکپارچه. تهران انتشارات دانشگاه تهران.
- [۲۲] یزدانی، حمیدرضا (۱۳۸۱). بررسی روابط متقابل میان اجزای سرمایه های فکری سرمایه انسانی، سرمایه ساختاری، سرمایه مشتری و اثرات این سرمایه ها بر عملکرد سازمانی شعب بانک ملت استان تهران. پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تهران.
- [23] Branson, W.H. (1989). Macroeconomic Theory and Policy, 3th Edition, Harper and Row Publishers.

- [24] Baron, A. and Armstrong, M. (2007). Human Capital Management: Achieving Added Value Through People, Kogan Page, London and Philadelph.
- [25] Bloom, D.E., Canning, D. and Jaypee, S. (2002). The Demographic Dividend: A New Perspective on the Economic Consequences of Population Change. Santa Monica, California: RAND.
- [26] Dash, S.P. and Agrawal, V. (2012). Role of Human Capital Management in Economic Value Addition of Large Scale Organizations: A Literature Review, International Journal of Financial Management, 2, 63-72.
- [27] Joshi, A. (2012). Human Capital Management: Strategies for Retention of Productive Work Force, International Journal of Management Research and Review, 2, 1943-1951.
- [28] Lepak, D.P. and Snell, S.A. (1999). The Human Resource Architecture: Toward a Theory of Human Capital Allocation and Development. The Academy of Management Review, 24, 31-48.
- [29] Mason, A. (2005). Demographic Transition and Demographic Dividends in Developed and Developing Countries, United Nations Expert Group Meeting on Social and Economic Implications of Changing Population Age Structures, Mexico City.
- [30] National Transfer Accounts website: <http://www.ntaccounts.org>, 2018.
- [31] Schultz, T.W. (1961) Investment in Human Capital. The American Economic Review, 51, 1-17.
- [32] Shryock, H.S., Siegel, J.S. (1976). The Methods and Materials of Demography. California, Academic Press, INC.
- [33] Souleh, S. (2014). The Impact of Human Capital Management on the Innovativeness of Research Center: The Case of Scientific Research Centers in Algeria, International Journal of Business and Management, Vol. II

- [34] Tayles, M., Bramley, A., Adshead, N. and Farr, J. (2002). Dealing with the Management of Intellectual Capital: The Potential Role of Strategic Management Accounting. *Accounting, Auditing and Accountability Journal*, **15**, 251-267.
- [35] United Nations (2013a). Department of Economic and Social Affairs, Population Division, *National Transfer Accounts Manual: Measuring and Analysing the Generational Economy*, New York.
- [36] United Nations (2013b). Department of Economic and Social Affairs, *World Population Policies*, New York.
- [37] United Nations (2017a). Department of Economic and Social Affairs, Population Division, *World Population Prospects: The 2017 Revision, Volume II: Demographic Profiles*, New York.
- [38] United Nations (2017b). Department of Economic and Social Affairs, Population Division, *Support Ratios and Demographic Dividends: Estimates for the World*, Technical Paper, New York.

جواد حسین زاده

دکترای اقتصاد

تهران، خیابان دکتر فاطمی، خیابان رهی معیری، شماره ۱، مرکز آمار ایران.

رایانشانی: j_hoseinzadeh@sci-org.ir